

تحلیل فضایی فقر شهری در جهت رسیدن به عدالت اجتماعی (مطالعه موردی: محله دزاشیب منطقه یک شهرداری تهران)

کسری اصغریپور^۱

نسیم خانلو^۲

کرامت الله زیاری^۳

وحید شالی امینی^۴

چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل فضایی فقر شهری در جهت رسیدن به عدالت اجتماعی در محله دزاشیب برمبنای میزان دسترسی ساکنان محله به خدمات شهری با روش کمی انجام شده است. از هشت شاخص شامل، دسترسی به خدمات درمانی، آموزشی، حمل و نقل، انتظامی، پارک، تأسیسات و تجهیزات، مذهبی و تجاری استفاده شده است. تحقیق حاضر از نوع کاربردی و روش آن، توصیفی - تحلیلی می باشد. از روش AHP (تحلیل سلسه مراتبی) جهت تحلیل فضایی فقر شهری استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می دهد، تمرکز فقر در بخش های مرکزی و شرقی محله بیشتر بوده و عدم یکنواختی در توزیع خدمات عمومی شهری را در این بخش محله نمایش می دهد. بنابراین یافته های این مطالعه، بر شناخت نواحی فقیر محله و اهمیت ترسیم نقشه های فقر و از طرف دیگر چگونگی دسترسی به خدمات شهری در سطح محله تأکید دارد.

واژگان کلیدی

فقر شهری، محله دزاشیب، دسترسی به خدمات شهری، روش AHP.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، گروه معماری شهرسازی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.

Email: Kasra.Asgharpour@gmail.com

۲. استادیار، گروه معماری شهرسازی واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: Nasim.khanloo@gmail.com

Email: Zayyari@Ut.ac.ir

۳. استاد تمام، گروه جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۴. استادیار، گروه معماری شهرسازی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: Vah.Shali_amini@iauctb.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۶/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱۵

طرح مسأله

در دهه‌های اخیر، شهرنشینی و رشد شهری در بسیاری از کشورهای در حال توسعه افزایش یافته است. در سال ۱۹۷۰، ۳۷ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی میکردند. در ۱۹۹۵، این رقم ۴۵ درصد بوده و انتظار می‌رود تا سال ۲۰۲۵ این رقم فراتر از ۵۰ درصد باشد (Masika et al, 2001:3). همراه با این فرایند سریع شهرنشینی، فقر نیز به سرعت در حال شهری شدن می‌باشد. بنابراین کاهش فقر شهری یکی از مهم‌ترین مسائل قابل توجه در مقیاس جهانی خواهد بود. امروزه فقر و نابرابری به عنوان مهم‌ترین چالش بشری است و جمعیتی بیش از ۱.۲ میلیارد نفر را دربر می‌گیرد (زیاری و موسوی، ۱۳۸۸:۵). توزیع نابرابر امکانات طی دهه‌های اخیر به ویژه در مراکز شهری موجب شده است که مسأله فقر همچنان بعنوان مهم‌ترین معضل اجتماعی-اقتصادی محسوب گردد (Baharoglu and Kessides, 2002:130). وجود نابرابری‌ها سبب گردیده که شکاف توسعه بین نواحی توسعه یافته و محروم روز به روز بیشتر شده و عدالت اقتصادی و اجتماعی بیشتر شده و عدالت اقتصادی و اجتماعی مفهوم خود را از دست بدهد، محرومیت نواحی محروم تداوم یابد و نواحی مرکزی امکانات را در خود متمرکز کنند. این امر نه تنها باعث رشد و توسعه نشده، بلکه روند کلی توسعه را نیز ناعادلانه و آهسته خواهد کرد و نتیجه آن عدم توزیع بهینه امکانات، رفاه و ثروت، از بین رفتن برابری‌های نواحی، افزایش شکاف توسعه و از بین رفتن عدالت اقتصادی و اجتماعی و دوگانگی ناحیه‌ای در سطح منطقه و بین شهرها است.

فقر حاصل نابرابری‌های زیاد اجتماعی است (Masika et al, 2001:9). بررسی وضعیت فقر در هر جامعه و آگاهی از آن، اولین قدم در برنامه ریزی برای مبارزه با فقر و محرومیت است (قنبری و همکاران، ۱۳۹۳:۱۷). بنابراین جهت توسعه متوازن و یکپارچه تحلیل فضایی فقر شهری ضرورت دارد. در واقع فقر نتیجه نابرابری‌های زیاد اقتصادی و اجتماعی است. فقر پدیده‌ای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که از نبود حداقل نیاز انسانی یا ناتوانی در تأمین آن، ناشی می‌شود. فقیر کسی است که قابلیت و توانایی کافی برای تأمین نیازهای اساسی زندگی ندارد. فقر باعث شکل‌گیری نابرابری‌ها در توزیع فضایی امکانات در سطح شهر می‌شود و به نابرابری‌های فضایی می‌انجامد. به دلیل رشد فقر شهری و عمیق‌تر شدن شکاف طبقاتی در شهرهای بزرگ، گروه‌های کم درآمد در قالب اجتماعات محلی و در فضاهای جغرافیایی خاص شکل گرفته‌اند. این گروه‌ها از روند کلی توسعه برکنار مانده و به حاشیه رانده شده‌اند.

مبانی نظری

تعریف فقر

بررسی‌ها نشان می‌دهد که یک تعریف علمی از فقر که مورد توافق عمومی باشد، در اختیار نمی‌باشد، زیرا فقر یک پدیده پیچیده اقتصادی است که دارای ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است. در رویکرد سنتی، فقر به عنوان پایین بودن سطح درآمد تعریف می‌گردد و فقر را با مطالعات درآمد افراد مرتبط می‌دانستند. پارتو جز، اولین کسانی بود که یک مدل توزیع درآمد را برای محاسبه فقر مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. یکی از تعریف‌های کلاسیک، فقر را "ناتوانی در دستیابی به استانداردهای حداقل زندگی" می‌داند و آن را با محاسبه نیازهای مصرفی پایه یا درآمد لازم برای تأمین نیازها می‌سنجد (گرینزپان، ۱۳۸۲: ۶۲). طی سه دهه، مفاهیم جدیدی از فقر ارائه و تعاریف جدید با کارهای تاونسند (۱۹۷۹) و سن (۱۹۸۵) معرفی شد (جواهری‌پور، ۱۳۹۲: ۱۴). فقر پدیده‌ای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که از نبود حداقل نیاز انسانی یا ناتوانی در تأمین آن ناشی می‌شود. فقر حاصل نابرابری زیاد اجتماعی است، این نابرابری‌ها به نابرابری فضایی می‌انجامد. از نظر بانک توسعه آسیا، فقر محرومیت از دارایی‌ها و فرصت‌هایی است که هر فرد مستحق آن‌ها می‌باشد. سن، فقر را به صورت محرومیت از قابلیت‌های اساسی در نظر گرفته و بر نسبی بودن مفهوم فقر در مکان‌ها و زمان‌های مختلف تأکید می‌کند (خسروی نژاد، ۱۳۹۱: ۲۲). بوت و روانتری به فقر از منظر فقر مطلق و نسبی توجه نموده و میان این دو تمایز قائل می‌شوند. فقر مطلق بعنوان ناتوانی در کسب حداقل استاندارد زندگی و فقر نسبی به عنوان ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی، لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود، تعریف شده است (خالدی و پر مه، ۱۳۸۴: ۶۶). فقر معیار آشکاری از توسعه نیافتگی اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی است؛ واقعیت اینست که از لحاظ شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی بین جوامع تفاوت آشکاری وجود دارد. فقر نمودی از عدم توسعه یافتگی است (ارشدی و کریمی، ۱۳۹۴: ۲۴). بدون تردید تعریف از فقر، به عنوان مفهومی فراگیر برای تمام شرایط و ثابت برای طول زمان غیرممکن است، زیرا فقر مفهومی نسبی است که با شرایط زمانی و مکانی قابل تعریف است. فقر در مفهوم کلی، از طریق توجه به شاخص‌های آن در حوزه‌های اصلی زیر قابل تعریف است:

- درآمد و هزینه
- توزیع سرمایه و درآمد
- دارایی‌ها و قابلیت و توانایی مصرف
- نیازهای اساسی، از جمله بهداشت، آموزش و خدمات اجتماعی

- خدمات پایه، از قبیل شبکه آب سالم، توزیع برق و سایر خدمات زیربنایی، خدمات درمانی
- امنیت زندگی و دارایی‌ها
- استاندارد زندگی در مقایسه با چشم داشت‌ها و انتظارات
- پذیرش و احترام از سوی جامعه
- حق انتخاب و دستیابی به فرصت‌ها برای زندگی فردی و خانوادگی (Jitsuchon, 2009:9)

فقر شهری

بسیاری از موارد یاد شده در ارتباط با تعریف فقر در فقر شهری هم قابل بررسی است. رده بندی فقر شهری بر اساس معیارهای پولی و درآمدی نمی‌تواند به ارزیابی‌های اساسی و ارائه تصویر روشنی از فقر منجر شود بگونه‌ای که تأکید بر یک جنبه ممکن است اثرات منفی بر روی مسائل سیاسی ایجاد کند (Alkire & foster, 2009:18). اما فقر شهری پدیده چند بعدی است و شهرنشینان به خاطر بسیاری از محرومیت‌ها؛ از جمله عدم دسترسی به فرصت‌های اشتغال، مسکن و زیرساخت‌های مناسب، نبود تأمین اجتماعی و دسترسی به بهداشت، آموزش و امنیت فردی در رنج و مضیقه هستند. فقر شهری تنها محدود به ویژگی‌های نام برده نبوده و اشاره به شرایط ناپایدار منجر به آسیب‌پذیری و ناتوانی درمقابل آسیب‌ها نیز دارند (Baharaoglu & Kessides, 2002:2). امروز، مفهوم فقر شهری نه تنها به معنای نداشتن سرپناه، شغل و درآمد و دسترسی به خدمات عمومی و اجتماعی شهری و عدم امنیت دارایی‌های فردی است، بلکه بیش از آن وابستگی و عدم اقتدار شهروندان در تصمیم‌گیری جهت انتخاب فرصت‌های لازم برای ابتکار در توسعه و ارتقاء، است. جهت شناخت و سنجش دامنه و ابعاد فقر شهری می‌توان به جزئیات بیشتری توجه نمود. (مجیدی خامنه و محمدی، ۱۳۸۴:۱۴۳). فقر شهری ضرورتاً به معنای ناتوانی انجام فعالیت‌های اقتصادی نیست و شهرها فرصت‌های اقتصادی بیشتر برای مهاجران کم درآمد فراهم می‌آورند ولی در مقابل فرصت‌های محدودی را در مشارکت برای اداره شهری، برخورداری از خدمات و فرصت‌های توسعه نیز مهیا می‌سازد. درک فقر شهری با ارائه مجموعه‌ای از مسائل متمایز از فقر عمومی ممکن خواهد گردید. در حالی که هیچ رویکرد واحدی در انجام ارزیابی فقر شهری وجود ندارد (روستایی و همکاران، ۱۳۹۱:۷۸). بطور کلی شرایطی به شرح موارد زیر منجر به ایجاد ناامنی و ناتوانی برای فقرای شهری شده است:

- دسترسی محدود به فرصت‌های شغلی و درآمدی؛
- مسکن نامناسب و کیفیت پایین خدمات و زیربنایها و روبناهای پایه و محدودیت دسترسی به خدمات متعارف شهری

- قرار گرفتن در معرض آسیب های زیست محیطی؛

- عدم دسترسی و یا دسترسی محدود به سازوکارهای تأمین اجتماعی و خدمات اجتماعی؛

- عدم دسترسی و یا دسترسی محدود به خدمات درمانی و بهداشتی و فرصت های

آموزشی (موحد و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۶).

شاخص های سنجش فقر شهری

موضوع فقر و اندازه گیری آن در متون اقتصاد توسعه جایگاه خاصی دارد و این جایگاه در دهه های اخیر اهمیت بیشتری در سیاست گذاری های اقتصادی کشورهای دنیا به ویژه کشورهای توسعه نیافته پیدا کرده است. اما فقر شهری پدیده چند بعدی است، بنابراین برنامه ریزان و سیاست گذاران برای اندازه گیری آن با چالش های فراوانی روبرو هستند. رایج ترین روش برای اندازه گیری فقر، اندازه گیری پولی آن با استفاده از درآمد یا اندازه گیری آن بر اساس میزان مصرف خانوار و توان مالی خانوار برای خرید اسرت مقوله فقر شهری فراتر از اندازه گیری درآمد ساکنان آن است، و کمبود سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و سرمایه مالی را دربرمی گیرد (HidayahChamhuri, 2012: 805). از آنجایی که فقر شهری پدیده ای است چند بعدی، لذا محدود به سنجش بعد پولی آن نمی گردد و بلکه بیش از آن به شرایط بیرونی نیز اشاره دارد که مستقیماً با زندگی مردم در تماس بوده و در آن تأثیرگذار است. در نتیجه تنها درآمد پایین و یا سطح و الگوی مصرف آن ها نمی تواند بیانگر میزان فقر باشد. لذا دیگر حوزه ها از جمله سطح برخورداری از بهداشت، آموزش، تغذیه و حقوق اجتماعی، امنیت و توانمندی و اقتدار در تصمیمات جامعه می تواند بیانگر سطح فقر و یا توسعه افراد و خانوارها باشد با این وصف تأکیدهای بیش از پیش فراوانی که بر مفهوم نسبی فقر به عمل می آید، همراه با ارتباط محسوس آن ها با مسأله نابرابری ها یا تضادهای اجتماعی گواه بر این نکته است که پویایی های سیاسی و اجتماعی ناظر بر روابط بین فقیران و غیرفقیران در نظر پژوهشگران و تصمیم گیرندگان اهمیتی بیش از رویکردهای سنتی به فقر پیدا کرده است. بدین ترتیب به نظر می رسد که ایجاد شاخص های جدیدی برای اندازه گیری ماهیت نسبی فقر یکی از چالش های جدیدی است که جامعه بین المللی با آن دست به گریبان خواهد بود (گرینزیان، ۱۳۸۲: ۳۶)، در حالی که ابعاد فقر شهری بیش از بعد درآمدی و پولی است و امنیت، آزادی، آموزش و بهداشت و وضعیت سکونت فقرای شهری را تهدید می کند. برای کاهش فقر شهری ابتدا نیاز به شناخت صحیح، سنجش دقیق و تحلیل مستند و واقع گرایانه آن داریم.

فقر و عدالت اجتماعی

دیوید هاروی از جمله نظریه پردازانی است که از حوزه جغرافیا به مطالعات شهری روی آورده است. به عقیده هاروی، شهر درنهایت حاصل نوعی نابرابری توزیع درآمدها است که آن را

نظریه مازاد اقتصادی می نامد. مازاد اقتصادی هاروی، همان گونه که خود می گوید، با تعریف مارکس از ارزش افزوده، انطباقی کمابیش کامل دارد. با این تفاوت که هاروی این مازاد را نه فقط موتوری برای شکل گیری شهرها، بکه انگیزه و عاملی برای افزایش نابرابری‌ها و در نتیجه، تنش در آن‌ها می‌بیند؛ از این رو بر آن است که شهرها در سیر تحول خود، گرایش ناگزیر به سوی ایجاد خشونت و تعارض درون خود دارند. این تعارض، در آن واحد، هم به دلیل نابرابری میان اقشار اجتماعی و هم به دلیل نابرابری میان مناطق مختلف زیستی است. در اثر توسعه و توزیع نابرابر ثروت در این مناطق به وجود می‌آید. به عقیده هاروی، تنها راه چاره ایجاد عدالت اجتماعی در شهرها از طریق تبیین و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای و توزیع عقلانی و منطقی ثروت است (فکوهی، ۱۳۸۳: ۴۲).

هاروی بازتوزیع ثروت را لازم می داند و می نویسد: «عموم، این عقیده را پذیرفته‌اند که نوعی بازتوزیع یا توزیع بهتر درآمد، ضروری است؛ زیرا هموار عده‌ای به دلایل مختلف مانع بدشمنی، تشخیص نادرست، کهولت یا ضعف جسمانی، نمی توانند وسایل معاش کافی را از طریق معمول تحصیل کنند. البته اینکه بازتوزیع به چه نسبتی انجام شود، مسئله‌ای اخلاقی است که جوامع گوناگون در زمان‌های مختلف، پاسخ‌هایی گوناگون به آن دادند» (شکوئی، ۱۳۸۶: ۴۰). در پایان، گفتنی است که در پیرامون جامعه، شاهد نابرابری‌های عظیم در قدرت سیاسی، پایگاه اجتماعی و تجاوز به منابع اقتصادی هستیم. عدالت اجتماعی کیفیتی آشکار در کاهش این نابرابری‌هاست و طی فرایندی، به اعاده برابری‌ها می انجامد. برای از بین بردن ریشه‌های فقر، باید نظام توزیع را به گونه‌ای تغییر دهیم که هم عدالت اجتماعی در آن رعایت شود و هم موجب نفی استثمار شود (درکوش، ۱۳۸۶: ۴۷).

ارتباط بین فقر شهری و دسترسی به خدمات

از مهم‌ترین عوامل در برنامه ریزی شهری، استفاده از فضاها و توزیع مناسب و به عبارتی کامل‌تر، عدالت فضایی است. در این راستا کاربری‌ها و خدمات شهری از جمله عوامل مفید هستند که با پاسخگویی به نیاز جمعیتی، افزایش منفعت عمومی و توجه به استحقاق و شایستگی افراد می توانند با برقراری عادلانه تر، ابعاد عدالت فضایی، عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی را برقرار نمایند و به کاهش فقر بیانجامد.

افراد فقیر اغلب بطور سیستماتیک از فرصت‌ها، اشتغال، امنیت، ظرفیت و قدرت محروم می شوند. این امر آن‌ها را از کنترل بهتر زندگی‌شان ناتوان می سازد. در گزارش "اهداف توسعه هزاره" که بر بهبود زندگی ساکنان نواحی فقیر متمرکز شده، آمده است:

بخش اعظم فقر شهری ناشی از محرومیت از زیرساخت‌ها و خدمات است. افراد فقیر از ویژگی‌های زندگی شهری که انحصاری برای اقلیت مرفه است - شامل بیان مسائل سیاسی

مسکن امن و با کیفیت، تحصیلات، خدمات بهداشتی، حمل و نقل کارا، درآمد کافی - محروم می گردند. (Mercado et al,2007:8)

پیشینه تحقیق

در ادامه پیشینه تحقیق در قالب رساله‌ها، پایان نامه‌ها، کتاب‌ها و مقالات ارائه می‌گردد.

سال دفاع	اساتید راهنما و مشاور	دانشگاه	نویسنده	عنوان رساله و پایان نامه
۱۳۹۵	موسی عنبری محمد رضا یگانه جوادی (مشاور) مهدی طالب (مشاور)	رساله تهران	صدیقه پیری	بازسازی معنایی فقر: تحلیل گفتمان‌های تاریخی فقر در ایران
۱۳۹۵	اسفندیار زبردست	پایان نامه تهران	محمدجواد نوری	تحلیل الگوی توزیع فضایی فقر شهری در کلانشهر اصفهان، ارتباط آن با عدالت فضایی و برنامه‌ریزی فضایی برای کاهش فقر شهری
۱۳۹۳	محمد تقی رضویان	پایان نامه بهشتی	پرویز آقایی	جهانی شدن و رابطه‌ی آن با فقر شهری (مطالعه تطبیقی: تهران و استانبول)
۲۰۱۴	Graham Parkhurst	PhD Thesis University of the West of England, Bristol	Rutul B. Joshi	Mobility practices of the urban poor in Ahmedabad (India) اقدامات تحرک فقر شهری در شهر احمدآباد (هند)
۲۰۰۷	RNDr. Josef Novotný	Bachelor thesis Charles University in Prague	Jana Kubelková	URBANIZATION OF POVERTY IN DEVELOPING COUNTRIES توسعه فقر در کشورهای در حال توسعه
۲۰۰۲	Peter Kellett	PhD Thesis University of Newcastle upon Tyne, United Kingdom	Mark Napier	Core housing, enablement and urban poverty (The consolidation paths of households living in two South African settlements) مسکن اصلی، توانمندسازی و فقر شهری (خانوارهای دوشهرک در آفریقای جنوبی)
سال انتشار	نویسنده		عنوان کتاب	
۱۳۹۵	مترجم: حسین حاتمی نژاد نورالدین رحمتی و اکرم شهیدی نویسندگان: نیک دیواس، فیلیپ آمیس، جوبیل، اورسالگران و کارول کوردی		حکمروایی شهری و فقر (انتشارات آذرخش)	
۲۰۱۶	Burcu Şentürk (I.B.Tauris)		Urban Poverty in Turkey: Development and Modernisation in Low-Income Communities فقر شهری در ترکیه: توسعه و نوسازی در جوامع با درآمد کم	

۲۰۱۳	Diana Mitlin David Satterthwaite (Routledge press)	Urban Poverty in the Global South: Scale and Nature فقر شهری در جنوب جهان: مقیاس و طبیعت
۲۰۱۰	Shahadat Hossain	Urban Poverty in Bangladesh: Slum Communities, Migration and Social Integration فقر شهری در بنگلادش: جوامع بیکار، مهاجرت و ادغام اجتماعی
سال	نویسنده	عنوان پژوهش
۱۳۹۶	رحمت بهرامی	تحلیلی بر فقر شهری در استان کردستان (مهندسی جغرافیایی سرزمین، دوره دوم، شماره ۱ (پیاپی ۲))
۱۳۹۵	یاسمن سلخشورفرد خلیل آباد احمد زنگانه طاهر پریزادی	برنامه ریزی راهبردی توسعه محلات دارای فقر شهری (فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، سال هفتم، شماره ۲۳)
۱۳۹۵	محمد قاسمی سیانی مهدی حقی	تبیین گستره فقر شهری و شناسایی سکونتگاه‌های غیررسمی از منظر عدالت فضایی مطالعه موردی: نسیم شهر (فصلنامه برنامه ریزی منطقه‌ای، سال ششم، شماره پیاپی ۲۴)
۱۳۹۵	علی موحد، سامان ولی نوری، حسین حاتمی نژاد، احمد زنگانه، موسی کامانرودی کجوری	تحلیل فضایی فقر شهری در کلانشهر تهران (فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، سال چهارم، شماره ۳ (پیاپی ۱۵))
۱۳۹۵	خسرو رحمتی، عبدالله شیخی	توزیع فضایی و پهنه بندی فقر شهری برپایه مؤلفه‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی (شهر میان‌دوآب) (فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی شهری چشم انداز زاگرس، دوره هشتم، شماره ۳)
۱۳۹۵	اسفندیار زبردست راضیه رضانی	سنجش فقر شهری و ارتباط آن با دسترسی به خدمات شهری در شهر قزوین (نشریه هنرهای زیبا، دوره بیست و یکم، شماره ۲)
۲۰۱۷	Kanwal D.P. Singh	Inclusive Growth and Poverty Reduction: A Case Study of India (Indian Journal of Public Administration, vol. 63 Indian Journal of Public Administration, vol. 63) رشد جامع و کاهش فقر: مطالعه موردی هند
۲۰۱۵	Kala Seetharam Sridhar	Is Urban Poverty More Challenging than Rural Poverty? A Review (Environment and Urbanization ASIA, vol. 6, 2) آیا فقر شهری بیشتر از فقر روستایی چالش برانگیز است؟ بازنگری
۲۰۱۴	Miniva Chibuye	Interrogating urban poverty lines-the case of Zambia (Environment & Urbanization, vol 26(1)) بررسی خطوط فقر شهری در زامبیا
۲۰۱۳	Aliprantis Dionissi Fee Kyle Oliver Nelson	The Concentration of Poverty within Metropolitan Areas (Economic Commentary, NO 1) تمرکز فقر در مناطق کلانشهرها
۲۰۱۲	Somsook Boonyabanha Diana Mitlin	Urban poverty reduction: learning by doing in Asia (Environment & Urbanization, vol 24(2)) کاهش فقر شهری: آموزش با اقدام در آسیا

روش شناسی

در علم تصمیم گیری که در آن انتخاب یک راهکار از بین راهکارهای موجود و یا اولویت بندی راهکارها مطرح است، چند سالی است که روش های تصمیم گیری با شاخص های چندگانه جای خود را باز کرده اند. از این میان روش تحلیل سلسله مراتبی بیش از سایر روش ها در علم مدیریت مورد استفاده قرار گرفته است. این روش یکی از معروفترین فنون تصمیم گیری چند منظوره است که اولین بار توسط توماس ال. ساعتی عراقی الاصل در دهه ۱۹۷۰ ابداع گردید که منعکس کننده رفتار طبیعی و تفکر انسانی است. این تکنیک، مسائل پیچیده را بر اساس آثار متقابل آن ها مورد بررسی قرار می دهد و آن ها را به شکلی ساده تبدیل کرده و به حل آن می پردازد (Zhou, 2006: 84).

فرایند تحلیل سلسله مراتبی در هنگامی که عمل تصمیم گیری با چند گزینه رقیب و معیار تصمیم گیری روبروست می تواند استفاده گردد. معیارها می تواند کمی و کیفی باشند. اساس این روش تصمیم گیری بر مقایسات زوجی است. تصمیم گیرنده با فراهم آوردن درخت سلسله مراتبی تصمیم آغاز می کند. سپس یک سری مقایسه های زوجی انجام می گیرد. این مقایسه ها وزن هر یک از فاکتورها را در راستای گزینه های رقیب مورد ارزیابی در تصمیم را نشان می دهد. در نهایت فرایند تحلیل سلسله مراتبی به گونه ای ماتریس های حاصل از مقایسه های زوجی را باهم تلفیق می سازد که تصمیم بهینه حاصل آید (Sener, 2004: 114).

انجام مقایسه های بین گزینه های مختلف تصمیم، بر اساس هر شاخص و قضاوت در مورد اهمیت شاخص تصمیم با انجام مقایسه های زوجی، بعد از طراحی سلسله مراتب مسئله تصمیم، تصمیم گیرنده می بایست مجموعه ماتریس هایی که به طور عددی اهمیت یا ارجحیت نسبی شاخص ها را نسبت به یکدیگر و هر گزینه تصمیم را با توجه به شاخص ها نسبت به سایر گزینه ها اندازه گیری می نماید، ایجاد کند. این کار با انجام مقایسه های دو به دو بین عناصر تصمیم (مقایسه زوجی) و از طریق تخصیص امتیازات عددی که نشان دهنده ارجحیت یا اهمیت بین دو عنصر تصمیم است، صورت می گیرد.

برای انجام این کار معمولاً از مقایسه گزینه ها با شاخص های I ام نسبت به گزینه ها یا شاخص های J ام استفاده می شود که در جدول زیر نحوه ارزش گذاری شاخص ها نسبت به هم نشان داده شده است.

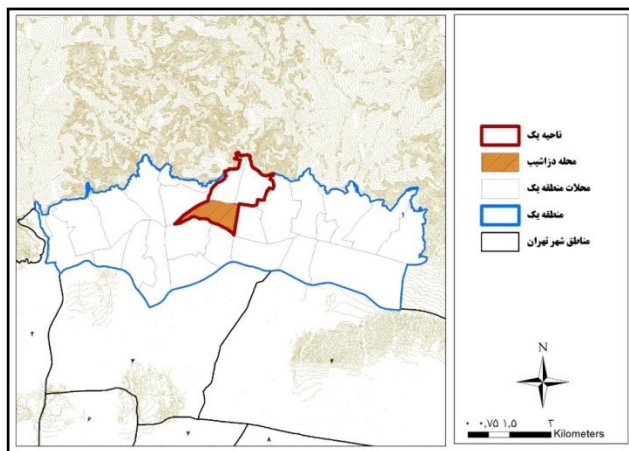
جدول شماره (۱): ارزش گذاری شاخص‌ها نسبت به هم در روش AHP

ارزش ترجیحی	وضعیت مقایسه نسبت به z	توضیح
۱	اهمیت برابر	گزینه یا شاخص i نسبت به z اهمیت برابر دارند و یا ارجحیتی نسبت به هم ندارند
۳	نسبتاً مهمتر	گزینه یا شاخص i نسبت به z کمی مهمتر است
۵	مهمتر	گزینه یا شاخص i نسبت به z مهمتر است
۷	خیلی مهمتر	گزینه یا شاخص i دارای ارجحیت خیلی بیشتری از z است
۹	کاملاً مهم	گزینه یا شاخص مطلقاً i از z مهمتر و قابل مقایسه با z نیست
۲ و ۴ و ۸ و ۶		ارزشهای میانی بین ارزشهای ترجیحی را نشان می‌دهد مثلاً ۸، بیانگر اهمیتی زیادتر از ۷ و پایینتر از ۹ برای i است

منبع: (Saaty:1980:26)

شناخت نمونه مورد مطالعه

محلۀ دزاشیب با مساحتی معادل ۱۷۲.۱۸ هکتار و جمعیتی معادل ۱۰۹۲۷ نفر در ناحیه چهار منطقه یک شهرداری تهران می‌باشد. محدوده فعلی این محلۀ از شمال به خیابان شهید باهنر، از جنوب به خیابان دزاشیب - خیابان لواسانی (کامرانیه غربی)، از شرق به خیابان شهید بازر (کامرانیه شرقی) و از غرب به سه راه نیاوران و خیابان دزاشیب منتهی می‌گردد.



نقشه شماره (۱): موقعیت محلۀ دزاشیب در منطقه یک شهرداری تهران

یافته‌های پژوهش

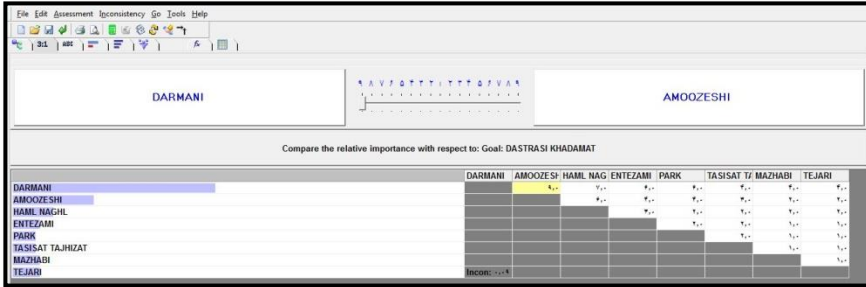
در این بخش چگونگی دسترسی به خدمات شهری توسط ساکنان، مدنظر قرار دارد. پس از شناسایی خدمات شهری، روش حداقل فاصله برای اندازه‌گیری دسترسی به دلیل آن که در مقایسه با روش‌های دیگر دقیق‌تر و آسان‌تر است به راحتی می‌توان در محیط نرم افزار GIS مدل‌سازی نمود. در واقع با داشتن شعاع عملکردی کاربری‌های خدمات شهری، سطح سرویس دهی مشخص می‌گردد و با استفاده از مدل AHP پهنه بندی فقر شهری با تأکید بر دسترسی به خدمات شهری بدست می‌آید.

شاخص‌های دسترسی به خدمات شهری جهت ارزیابی فقر شهری در محله دزاشیب

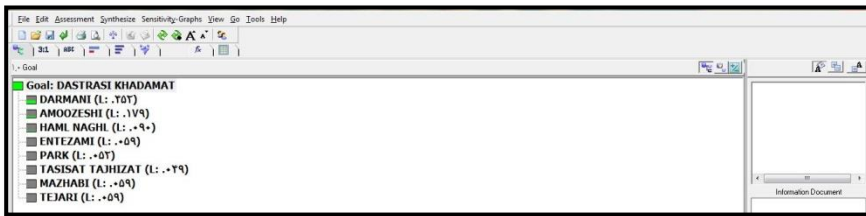
۱. دسترسی به مراکز درمانی: هر چه دسترسی به مراکز درمانی بیشتر باشد نشان از بهداشت بالای محله می‌باشد.
۲. دسترسی به مراکز آموزشی: هر چه دسترسی به مراکز آموزشی بالا باشد نشان از سطح سواد بالا در محله می‌باشد.
۳. دسترسی به حمل و نقل عمومی: هر چه دسترسی به حمل و نقل عمومی بالا باشد نشان از جابجایی و انتقال سریع در محله می‌باشد.
۴. دسترسی به مراکز انتظامی: هر چه دسترسی به مراکز انتظامی بیشتر باشد نشان از امنیت بالا در محله می‌باشد.
۵. دسترسی به پارک‌ها و فضاهای سبز: هر چه دسترسی به پارک‌ها و فضاهای سبز بالا باشد نشان از وجود مراکز تفریحی و آرامش روانی در محله می‌باشد.
۶. دسترسی به تأسیسات و تجهیزات شهری: هر چه دسترسی به تأسیسات و تجهیزات شهری بالا باشد نشان از آسایش بالای ساکنان در محله می‌باشد.
۷. دسترسی به اماکن مذهبی: هر چه دسترسی به اماکن مذهبی بالا باشد نشان از آرامش روانی و تعاملات بیشتر در محله می‌باشد.
۸. دسترسی به مراکز تجاری: هر چه دسترسی به مراکز تجاری بالا باشد نشان از تهیه اقلام و مایحتاج مورد نیاز ساکنان در محله می‌باشد.

مقایسات زوجی شاخص‌های سنجش فقر شهری

در این مرحله در قالب پرسشنامه‌ای جهت اولویت بندی شاخص‌های دسترسی به خدمات شهری از نظرات خبرگان استفاده شد و اطلاعات پرسشنامه در نرم افزار expert choice تحلیل و اوزان شاخص‌ها استخراج گردید.

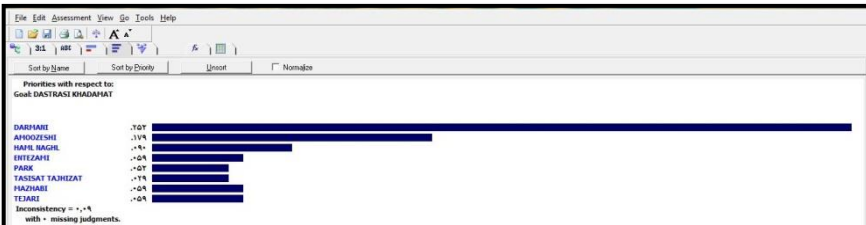


شکل شماره (۱): مقایسات زوجی شاخص‌های دسترسی به خدمات شهری در محله دزاشیب



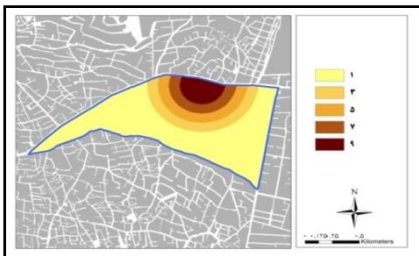
شکل شماره (۲): اوزان شاخص‌های دسترسی به خدمات شهری در محله دزاشیب

شکل شماره (۳): اولویت بندی شاخص‌های دسترسی به خدمات شهری در محله دزاشیب

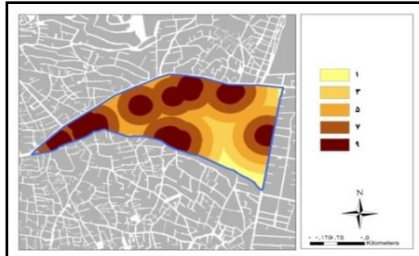


جدول شماره (۲): اوزان شاخص‌های دسترسی به خدمات شهری در محله دزاشیب

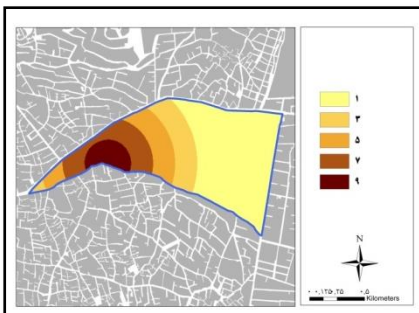
۰.۴۵۲	دسترسى به مراکز درمانی	۳ ۱ ۵
۰.۱۷۹	دسترسى به مراکز آموزشی	
۰.۰۹۰	دسترسى به حمل و نقل عمومی	
۰.۰۵۹	دسترسى به مراکز انتظامی	
۰.۰۵۲	دسترسى به پارک ها	
۰.۰۴۹	دسترسى به تأسیسات و تجهیزات شهری	
۰.۰۵۹	دسترسى به اماکن مذهبی	
۰.۰۵۹	دسترسى به مراکز تجاری	
۰.۰۰۹	ضریب ناسازگاری	



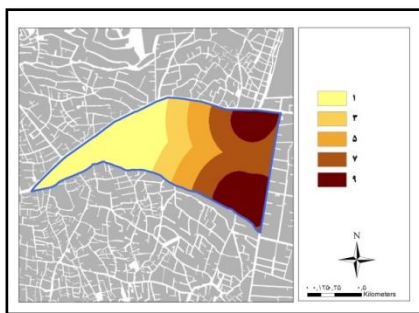
دسترسی به مراکز درمانی



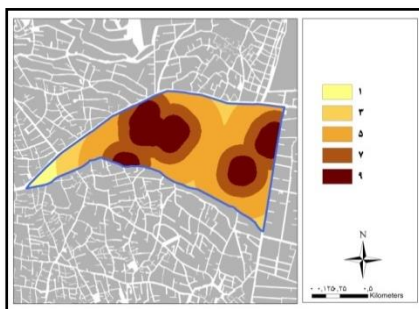
دسترسی به مراکز آموزشی



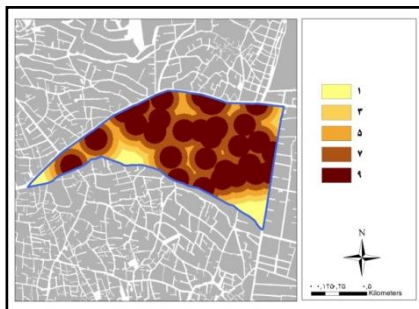
دسترسی به حمل و نقل



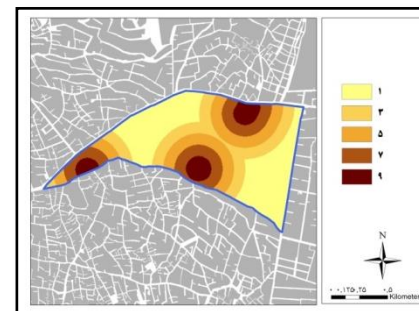
دسترسی به مراکز انتظامی



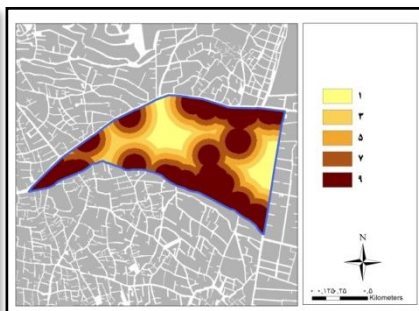
دسترسی به پارک



دسترسی به تأسیسات و تجهیزات شهری

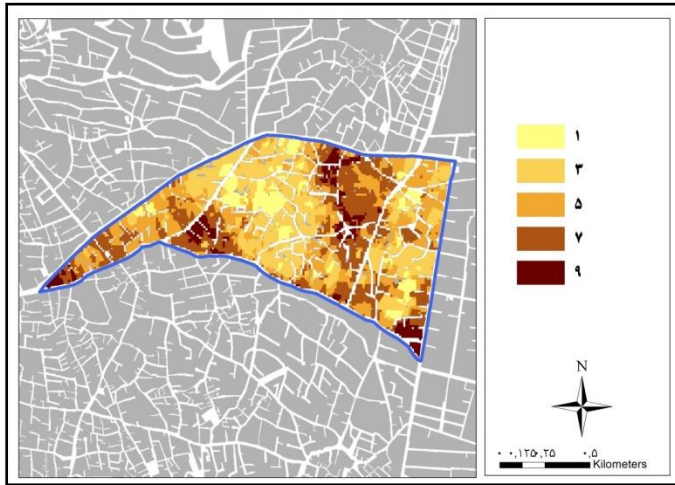


دسترسی به اماکن مذهبی



دسترسی به مراکز تجاری

نقشه شماره (۲): شاخص‌های وزن دار شده تحلیل فضایی دسترسی به خدمات در محله دزاشیب



نقشه شماره (۳): نقشه نهایی وزن دار شده تحلیل فضایی دسترسی به خدمات در محله دزاشیب همانطور که در نقشه بالا مشاهده می شود مرکز محله از شدت فقر بیشتری برخوردار هستند و حاشیه های محله نیز از شدت فقر کمتری برخوردارند یعنی دسترسی به خدمات شهری وضعیت بهتری دارند.

نتیجه گیری

فقر و توزیع ناعادلانه درآمد و ثروت و خدمات یکی از مهم ترین معضلات بشر در هزاره سوم بوده است. در این تحقیق با انجام تحلیل ها و محاسبات صورت گرفته، فقر شهری و توزیع آن بر مبنای میزان دسترسی به خدمات شهری با استفاده از روش AHP مورد تحلیل قرار گرفت. بر این اساس پرسشنامه ای طراحی گردید و شاخص های مورد بررسی اولویت بندی شد. شاخص ها عبارت بودند از: دسترسی به خدمات درمانی، آموزشی، حمل و نقل، انتظامی، پارک، تأسیسات و تجهیزات، مذهبی و تجاری. با بررسی فقر شهری بر مبنای دسترسی به خدمات شهری و بررسی توزیع فضایی فقر در سطح محله دزاشیب نشان دهنده تمرکز فقر در بخش های مرکزی و شرقی محله بوده و عدم یکنواختی در توزیع خدمات عمومی شهری را نمایش می دهد. بنابراین یافته های این مطالعه، بر شناخت نواحی فقیر محل و اهمیت ترسیم نقشه های فقر و از طرف دیگر چگونگی دسترسی به خدمات شهری در سطح محله تأکید دارد. و وجود ارتباط میان فقر شهری و دسترسی به خدمات شهری بر تأمین خدمات شهری و دسترسی به آن ها توسط ساکنان و توزیع متعادل و یکنواخت خدمات شهری در سطح محله تأکید دارد.

فهرست منابع

۱. ارشدی، علی، کریمی، علی (۱۳۹۴)، بررسی وضعیت فقر مطلق در ایران در سال های برنامه اول تا چهارم توسعه، فصلنامه سیاست راهبردی و کلان، سال ۶، صص: ۴۲-۲۳
۲. جواهری پور، محمد (۱۳۹۲)، چالش جهانی فقر شهری، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۶، صص: ۱۲۷-۱۴۷
۳. خالدی، کریم، پرمة، زینب (۱۳۸۴)، بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۳، شماره ۵۷، صص: ۸۴-۴۹
۴. خسروی نژاد، علی (۱۳۹۱)، برآورد فقر و شاخص های فقر در مناطق شهری و روستایی، مدلسازی اقتصادی، سال ششم، شماره ۳۹، صص: ۱۸-۳۳
۵. درکوش، علی (۱۳۸۶)، درآمدی به اقتصاد شهری، تهران، نشر دانشگاهی
۶. روستایی، شهریور، احدنژاد روشتی، محسن، اصغری زمانی، اکبر، زنگنه، علیرضا (۱۳۹۱)، توزیع فضایی فقر شهری در شهر کرمانشاه، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۱۲، شماره ۴۵، صص: ۹۱-۷۱
۷. زیاری، کرامت اله، موسوی، محمد (۱۳۸۸)، تحلیلی بر اندازه گیری و تبیین خط فقر و سیاست های فقرزدایی در استان یزد، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۵، صص: ۲۰-۵
۸. شکوئی، حسین (۱۳۸۶)، اندیشه نو در فلسفه جغرافیا، جلد دوم، تهران، گیتاشناسی
۹. فکوهی، ناصر (۱۳۸۹)، انسان شناسی شهری تهران، نشر نی، تهران
۱۰. قنبری، یاسین، برقی، حمید، حجاریان، احمد (۱۳۹۳)، تحلیل و اولویت بندی درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان لرستان با استفاده از تکنیک تاپسیس، مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال ششم، شماره ۲۱، صص: ۱۶۹-۱۸۰.
۱۱. گرینزیان، البرت (۱۳۸۲)، سیاست های فقرزدایی راهبردهای مبارزه با فقر در کشورهای در حال توسعه، ترجمه ناصر موققیان، تهران، انتشارات مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی
۱۲. مجیدی خامنه، بتول، محمدی، علیرضا (۱۳۸۴)، درآمدی بر شناخت و سنجش فقر شهری، فصلنامه جغرافیا، شماره ۳، صص: ۱۳۰-۱۵۰
۱۳. موحد، علی، ولی نوری، سامان، حاتمی نژاد، حسین، زنگانه، احمد، کمانرودی کجوری، موسی (۱۳۹۵)، تحلیل فضایی فقر شهری در کلان شهر تهران، اقتصاد و مدیریت شهری، سال ۴، شماره ۳، صص: ۳۶-۱۹
14. Alkire, S, & Foster, j (2009), Counting ana Multidimensional Poverty, In Von Braun J. (Ed). The Poorest and Hungry: Assessment, Analysis and Actions. Washington D.C.: International Food Policy Research Institute
15. Baharoglu and Kessides (2002), Urban Poverty, A Sourcebook for Poverty Reduction Strategies, Chapter 16, Macroeconomic and Sectoral Approaches, Vol.2, pp. 123-159.

16. Baharoglu, D .Kessides, C.(2002).Urban Poverty. A Sourcebook for Poverty Reduction Strategies, Chapter 16.
17. Hidayah Chamhuri, N, Abdul Karim, H, Hamdan, Hazlina.2012.Conceptual Framework of Urban Poverty Reduction: A Review of Literature», Social and Behavioral Sciences, No 68, pp: 804 -814
18. Jisuchon, sami (2009), what is poverty and how to Measure it?, TDRI Quaterly review, vol 16, No 4, pp:7-11
19. Masika, Rachel; Atjan de Haan & Sally Bbaden (2001),Urbanization and Urban Poverty: A Gender Analysis, Institute of Development Studies, University of Sussex, Brighton BN1 9RE, UK.
20. Mercado, Susan; Kirsten Havemann; Mojgan Sami & Hiroshi Ueda(2007), Urban Poverty: An Urgent Public Health Issue, Urban Health, vol. 84,pp 7- 15.
21. Saatty Tomas.L (1980), "The Analytic Hierarchy Process", MC Grow-Hill, New York, USA
22. Sener, B., Suzen, M. L., Doyuran, V., (2006). Landfill site selection by using geographic information systems. Environ Geol, 49: 376-388.
23. Zhou, P, P.W Ang, and K.L Poh. "Decision analysis in energy and environmental modeling: An update." 2006, 2604-2622.